یا فاطمة الزهراء

معیار حقیقت

ویژه‌نامه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام
قطب‌نمای تبیین، روشنگری و تربیت در برابر انحراف

▪ هفته‌نامه افق حوزه | ▪ دوشنبه ۱۸ آبان ۱۴۰۵ | ▪ ۲۹ جمادی‌الأول ۱۴۴۸ | ▪ شماره دوم



زهرای اطهر علیهاالسلام

مبدأ تاریخی تقابل «حیات طیبه» و «انحطاط مدرن»

بررسی هندسه فکری امام شهید قدس‌سره در تحلیل سیره حضرت زهرا علیهاالسلام و تربیت انسان موحد

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر مددی، مسئول اداره ترویج فرهنگی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب در قم

• اشاره

فاطمیه هرگز محصور در تقویم نیست؛ بلکه مبدأیی تاریخی برای مقاومت مؤمنانه و منشوری جامع در بازخوانی نسبت انسان با توحید، جامعه و سرنوشت تاریخ است. در روزگاری که تمدن مادی غرب، افق وجودی بشر را در چرخه تولید و مصرف، اصالت سود و حبّ نفس فرو کاسته و او را به ورطه «انحطاط مدرن» کشانده است، حقیقت زهرای مرضیه علیهاالسلام تجسم عینی «حیات طیبه» را پیش روی بشریت می‌گشاید؛ حقیقتی که نشان می‌دهد، کمال روحی و طهارت معنوی نه در انزوا، بلکه در قلب مسئولیت‌های اجتماعی و بذل جان و آبرو در مسیر دفاع از حریم ولایت و اقامه حق تحقق می‌یابد. در عصر حاضر، عمیق‌ترین خوانش از این مکتب حیات‌بخش را می‌توان در منظومه فکری و سیره مجاهدانه امام شهید، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رضوان‌الله‌تعالی‌علیه پی گرفت. ایشان با پیوندزدن انسان‌شناسی قرآنی به سیره فاطمی، نشان دادند که تربیت انسان موحد در خلأ ممکن نیست؛ بلکه نیازمند «نظام‌سازی»، ایجاد فضای مساعد اجتماعی و برپایی جامعه توحیدی است؛ الگویی که در آن ساختارهای جامعه همانند یک «کارخانه انسان‌سازی»، زمینه رشد و تعالی فطری آحاد امت را فراهم می‌آورند.

در این گفت‌وگوی تفصیلی، حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر مددی، مسئول اداره ترویج فرهنگی دفتر حفظ و نشر آثار معظم‌له در قم، به بازخوانی این هندسه فکری و تبیین نسبت آن با سیره صدیقه طاهره علیهاالسلام پرداخته است؛ از تبیین تمایز انسان‌شناسی توحیدی با مبانی اومانیستی غرب تا امتداد الگوی تربیتی-تمدنی امام شهید در بزنگاه‌هایی چون دفاع مقدس، مواسات مؤمنانه و رسالت نظام‌ساز حوزه‌های علمیه در افق تمدن نوین اسلامی.

فصل اول:
مبانی توحیدی و فلسفه روش‌شناسی ساختارمند

○ به‌عنوان مدخل بحث، جایگاه، مبانی و غایت «تربیت و تعالی انسان» در هندسه معرفتی امام شهید قدس‌سره چگونه صورت‌بندی می‌شود و چرا تحقق این مبانی، بدون نظام‌سازی اجتماعی ناممکن دانسته شده است؟

• بحث تربیت و تعالی‌بخشی انسان در نگاه امام شهید قدس‌سره، در حقیقت هدف اصلی شریعت، عبودیت و رستگاری و رسیدن انسان به حیات طیبه است که مسیر تحقق آن، تشکیل نظام اسلامی و جامعه توحیدی است. ایشان در مقاطع گوناگون – به‌ویژه در بیانات راهبردی ۱۲ آذر ۱۳۷۹، ۱۰ آذر ۱۳۸۹ و ۳ فروردین ۱۳۹۹ – مبانی حرکتی انقلاب اسلامی و امتداد عینی هر یک از این پایه‌ها را به‌روشنی ترسیم کرده‌اند که می‌توان آن را در سه محور خلاصه کرد:

۱. توحید که امتداد عملی آن، نفی مطلق عبودیت غیر خدا، نفی طاغوت و استقرار عبودیت انحصاری پروردگار در تمام ارکان و مناسبات حیات است.

۲. معاد و فرجام‌شناسی: یعنی امتداد حیات پس از مرگ، پیوستگی ناگسستنی دنیا و آخرت و اثرگذاری جزء‌به‌جزء ساختارهای دنیوی در سرنوشت ابدی انسان.

۳. انسان‌شناسی توحیدی: در نگاه اسلامی، انسان محور عالم است و همه چیز به‌طور بالقوه در اختیار انسان قرار دارد؛ ﴿وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (جاثیه/۱۳). خداوند متعال ساختار وجودی انسان را ﴿فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾ (تین/۴) آفریده و



استعدادی بی‌پایان برای صعود به قله‌های کمال در نهاد او ودیعه نهاده است.

۴. حرکت عالم به سمت حاکمیت حق: باور به سنت‌های الهی مبنی بر زوال باطل و نصرت مؤمنان در فرآیند مبارزه و تمدن‌سازی که غایت آن استقرار حکومت جهانی عدل است.

بر پایه این منظومه، هدف نهایی نظام و حکومت اسلامی چیزی جز رساندن انسان به «حیات طیبه» –حیاتی پاکیزه، شیرین و متعالی هم در دنیا و هم در آخرت– نیست. تمام ارکان دولت اسلامی، جامعه‌سازی و تمدن نوین اسلامی مقدمه‌ای است برای اینکه شریعت به ثمر بنشیند و انسان را به اوج شکوفایی برساند؛ تعبیری که حضرت امام راحل قدس‌سره نیز مکرر تصریح می‌فرمایند که تمام قرآن و شریعت برای تربیت انسان نازل شده است.

اما در پاسخ به اینکه چرا تربیت به فضای اجتماعی و نظام‌مند نیاز دارد، باید گفت چرایی این روش را باید دقیقاً در همین مبانی توحیدی جست‌وجو کرد. اگر ما واقعاً به توحید، انسان‌شناسی محوری و استعدادهای بی‌پایان انسان در افق «احسن تقویم» باور داریم، باید التزام عملی خود را به این مبانی نشان دهیم. در مبانی توحیدی، مسئله ولایت الهی، عبودیت انحصاری خداوند و نفی طاغوت مطرح است. آیا این مفاهیم در یک فضای صرفاً فردی و در انزوای شخصی قابل تحقق‌اند؟ آیا اگر انسان‌ها تک‌تک و جدا از یکدیگر به عبودیت مشغول شوند، می‌توان ادعا کرد که عبودیت در همه ابعاد و عرصه‌های حیات بشر مستقر شده است؟

مهم‌تر از آن، مسئله «نفی طاغوت» است که از ارکان اصلی کلمه توحید به‌شمار می‌رود. طاغوتی که ساختارهای جامعه را به فساد کشیده، مانع عدالت و آزادی است و کرامت و تعالی انسان را پایمال می‌کند، چگونه باید نفی شود؟ ایستادگی در برابر آن، مبارزه با شبکه‌های استکباری و جهاد در راه برطرف‌کردن موانع کمال انسان –چه در عرصه جهاد کبیر و چه در عرصه جهاد اصغر– آیا صرفاً با اقدام‌های فردی و موعظه‌های پراکنده ممکن است؟

از همین‌جا روشن می‌شود که اگر انسان‌ها بخواهند به تعالی حقیقی برسند. باید در یک نظام اسلامی و در فضایی مساعد قرار گیرند. لازمه تربیت توحیدی، تحقق ولایت الهی و عبودیت خداوند در متن جامعه است؛ آحاد جامعه باید در مسیر عبودیت الهی حرکت کنند، طاغوت را نفی کنند و از اطاعت آن سر باز زنند. تحقق چنین امری مستلزم هم‌افزایی، حرکت جمعی، شکل‌گیری جبهه و تجمیع توان و قدرت آحاد جامعه به محوریت ولی الهی است.

○ در اندیشه مدرن ادعا می‌شود که ساختارهای اجتماعی و حکومتی، آزادی فردی را محدود می‌کنند. در مکتب امام شهید قدس‌سره، پیوند عبودیت و ساختار جامعه با مؤلفه‌هایی چون «آزادی»، «عدالت» و «کرامت انسانی» چگونه تبیین می‌شود؟

• نگاه امام شهید قدس‌سره کاملاً عکس تلقی‌های اومانیستی و فردگرایانه است. برای رسیدن به اهداف تربیتی توحیدی، ما ناگزیر از پیوندزدن این مفاهیم با ساختار اجتماعی هستیم. عبودیت الهی مقدمه رسیدن انسان به حیات طیبه است؛ اما انسانی که می‌خواهد آزادانه عمل کند و بندگی خود را یکسره در برابر پروردگار قرار دهد، ابتدا باید از قیدوبندهای پست و اسارت‌های مادی رها شود. آیا چنین آزادی اصیلی در یک فضای کاملاً فردی و در خلأ تحقق می‌یابد؟

آزادی اجتماعی، آزادی اندیشه، آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی، زمینه‌ساز رشد انسان و پیش‌شرط شکوفایی استعدادهای او هستند. در شرایطی که منافع متعارض وجود دارد، طاغوت‌ها مانع آزادی حقیقی‌اند و مستکبران می‌کوشند همه امکانات، ثروت‌ها و رسانه‌ها را در انحصار خود بگیرند تا دیگران را محروم و از یکدیگر جدا کنند، چگونه می‌توان تنها با اقدام و خودسازی فردی زمینه شکوفایی انسان را در همه این ابعاد فراهم کرد؟

بسیاری از آرمان‌های اسلامی به بستری جمعی نیاز دارند. کرامت انسانی زمانی به‌معنای واقعی کلمه محقق می‌شود که به اندیشه، شخصیت، استعدادها، ظرفیت‌ها، اقدامات و نیازهای روحی و روانی انسان در چارچوب یک جامعه عادلانه توجه شود. تحقق کرامت انسانی، نیازمند جامعه‌ای است که ساختارها و مناسبات آن به رشد انسان یاری برسانند. انسان در «احسن تقویم» آفریده شده و استعدادی گسترده دارد؛ اما شکوفایی این گوهر درونی به لوازم، ساختارها، همراهی‌ها، محیط‌ها و شرایط متعددی نیاز دارد. انسان در سایه نظام اسلامی و با همراهی «ولیّ الهی» است که می‌تواند موانع عدالت را بردارد، آزادی را محقق سازد، کرامت انسانی را پاس بدارد و زمینه رشد مادی و معنوی استعدادها را فراهم کند.

○ چالش اصلی معمولاً در حوزه «روش» بروز می‌کند. وجه تمایز روش‌شناسی تربیتی امام شهید قدس‌سره با شیوه‌های سنتی چیست و چرا ایشان از تمثیل «کارخانه انسان‌سازی» استفاده می‌کردند؟

• نقطه کانونی و کلیدی دیدگاه ایشان دقیقاً در همین پرسش نهفته است. در غالب مکاتب تربیتی رایج، تمرکز بر انتقال بسته‌های محتوایی و منابع آموزشی، به‌شیوه فردبه‌فرد یا حلقه‌هایی محدود است؛ مربی با افراد تک‌به‌تک مواجه می‌شود و سعی دارد، مفاهیم را در ذهن و جان آنان نهادینه کند. در این الگو، اگر مجموعه‌ای، صد نفر را جذب کند و چند ده نفر را به مقصد برساند، احساس موفقیت می‌کند.

ادامه در صفحه بعد